نگاهی به حماسه‌سازان گردان غواصی یاسین در عملیات‌های کربلای ۴ و ۵

غواص‌های خط‌شکن ضعف‌های دشمن را آشکار کردند

احمد محمدتبریزی

از خراسان با تأسی از امام هشتم(ع) راهی جنوب کشور شده بودند تا در یکی از مهم‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس شرکت کنند. قرار بود گردان یاسین از لشکر ۲۱ امام‌رضا(ع) با شکستن خط و تسخیر جزیره ماهی‌راه را برای دیگر واحدها باز کند. غواص‌های گردان در نهایت آمادگی بودند و هر لحظه منتظر بودند تا خود را به آب سرد اروند بسپارند و حرکتشان را شروع کنند. گردان یاسین در کنار دیگر گردان‌های غواص در کربلای ۴ حماسه بزرگی خلق کرد. نیروهایش شجاعانه در تاریکی شب به دل دشمن زدند و کاری کردند تا پیش از گذشت ۳۰ سال ذکر حماسه‌شان همچنان یادآور مظلومیت و دلاوری شهدای غواص باشد. برای گفتن و نوشتن از شهدای غواص قلم کم می‌آورد. بزرگی آنها را نمی‌توان در یک صفحه و گزارش آورد، چراکه هر لحظه حضورشان در این دو عملیات دریایی، تجربیات و درس‌های بزرگی را پیش روی ما می‌گذارد.

شهید جلیل محدثی‌فر نفر سمت راست در کنار برادرهایش

تمرین‌هایی با جان و دل

اوایل مهر سال ۱۳۶۵ دوره آموزشی فشرده کادر گردان یاسین شروع می‌شود. آنها دوره‌های چند ماهه را در عرض چند روز طی می‌کنند. از همان روزهای اول کارشان با سختی‌های زیادی روبه‌رو بود. تمریناتی را که ارتشی‌ها در ۹ ماه می‌بینند، تنها در چند روز دیده بودند، امکانات مناسب برای غواصی نداشتند و لباس‌هایی که باید به تن می‌کردند به تن‌شان اندازه نبود. غذایشان مناسب غواص‌ها که تحرک زیادی دارند و انرژی زیادی در آب می‌سوزانند، نبود. اما برای نیروهایی که با عشق می‌خواهند عمل کنند چنین مسائلی کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. آنها باید تمام این مشکلات را پشت سر می‌گذاشتند و تنها به هدفشان فکر می‌کردند.

برای غواصی کردن این تازه‌اول راه بود. شب‌های سرد خوزستان و زدن به آب در نیمه‌های شب تا مغز استخوان آدمی را می‌سوزاند. لباس‌ها نه به تعداد است و نه به اندازه‌شان. آب به داخل لباس‌هایشان نفوذ می‌کند و سرمایش تا عمق جانشان نفوذ می‌کند. گاهی صدای خوردن دندان‌هایشان را به هم می‌شنوند، بدنشان لرز می‌کند ولی کارشان را همچنان پرقدرت ادامه می‌دهند. این مشکلات به چشم کسی نمی‌آید. غواص‌ها با شور و علاقه کارشان را انجام می‌دهند و به دنبال آمادگی بیشتر هستند. کافی بود کسی در گردان بگوید دلش راضی به انجام غواصی نیست، خیلی سریع می‌توانست گردان را ترک کند، گردان یاسین جای رزمندگان باعشق و باصفا بود. فرماندهان هم ندیدند کسی عذر و بهانه بیاورد، هر چه از نیروها می‌دیدند شور و عشق بود.

ایستادگی غواص‌ها

قبل از عملیات شهید جلیل محدثی‌فر فرمانده شجاع گردان در مسجد امام رضا(ع) نقشه را روی دیوار زد و اروند را با تمام جزئیات نشان داد، بچه‌ها را حسابی توجیه کرد و نحوه عبور از موانع را توضیح داد. او به نیروهایش نشان می‌داد چگونه به جزیره ماهی برسند و تا عمق عملیات پیش بروند. قرار شد گروهان ستار همراه گروهان غفار به عنوان خط‌شکن جزیره را بگیرند تا بعد نیروها با قایق بیایند و تا بصره پیشروی کنند. خودش هم کنار نیروهایش حضور داشت. علیرضا دلبریان، معاون شهید محدثی‌فر درباره حضور ایشان در جریان عملیات می‌گوید: «شهید جلیل محدثی‌فر که خودش به عنوان فرمانده گردان بود با ما داخل آب می‌آمد و غواصی می‌کرد. اینها امروز برای ما درس است و باید الگو باشد. اگر جلیل محدثی نمی‌آمد کنار آب شما قطعاً بدانید خیلی از آن بچه‌های غواص در آن شرایط سخت می‌بریدند اما رمز ایستادگی غواص‌ها همدلی بود و بی‌عدالتی نبود؛ یعنی این طور نبود که فرمانده خودش کنار بخاری گرم بنشیند و به نیروها بگوید جلو بروید. خودش اولین نفری بود که به آب می‌زد.»

عملیات در شب سوم دی ۱۳۶۵ شروع شد و غواص‌ها در آن شب سرد به آب زدند. خیلی نگذشته بودند که هواپیماهای دشمن بالای سرشان ظاهر شد و توپخانه دشمن منطقه را زیر آتش گرفت. در چنین وضعیتی هیچ رزمنده‌ای جا نزد، همه پرقدرت به مسیرشان ادامه دادند. دلبریان شجاعت غواص‌ها را چنین روایت می‌کند: «من با چشم خودم تفسیر آیه قرآن را در کربلای ۴ دیدم. وقتی می‌فرماید کوه‌ها نابود می‌شود ولی مسلمانان راسخ ایستاده‌اند. این صحنه را در شب کربلای ۴ در غواص‌ها دیدم. عملیات لو رفته بود و پشت نیزارها آتش تیربار مثل ذرات مذاب می‌آمد و اروند زیر آتش بود. غواص‌ها آماده بودند و زیر آتش می‌رفتند و یک نفر مکث هم نکرد.»

محمدجواد مهدیان‌پور، جلیل محدثی‌فر، محمدرضا سمندری، محمدرضا کرابی، حسن شاد، محمدرضا اسماعیل‌زاده، محمود سیفی، محمدرضا رنجبر، حسن عامری‌فرد، سید مؤمن حسینی، علیرضا نوراللهی، مصطفی کاظمی، محمد ناصری و فریبرز عابدینی نیروهایی بودند که همه در یک هدف متحد عملیات را انجام دادند.

شهید کم‌حرف کربلای ۴

شهید حسن شاد از نیروهای قدیمی و پرتجربه گشت و شناسایی بود و در عملیات‌های گذشته شایستگی‌هایش را نشان داده بود. سابقه چندین جانبازی داشت و هر بار با اراده محکم‌تری به جبهه برمی‌گشت. از آن بچه‌های تودار، مخلص و باصفا بود. وقتی صحبت می‌کرد و حرف‌های خنده‌دار می‌زد، خودش کمتر می‌خندید و بیشتر بچه‌ها می‌خندیدند. آدمی کم‌حرف و متواضع بود. وقتی به همراه غواص‌های دیگر به آب می‌زد سکوتی محض منطقه را فرا می‌گرفت. به خاطر کم‌حرف بودن شهید شاد، شهید محدثی‌فر تکلیف کرده بود که روزی ۱۰ دقیقه صحبت کند تا بچه‌ها در تاریکی شب از روی صدا او را بشناسند.

اگر حسن شاد در شب عملیات کربلای ۴، در گروه اول و دسته اول وارد نهر خین نمی‌شد و راه را باز نمی‌کرد، شاید رزمندگان این سوی نهر خین می‌ماندند و عملیات با مشکل مواجه می‌شد. یکی از همرزمان نیشابوری‌اش می‌گفت: «وقتی به آن طرف دریا رفتیم حسن به معاونش گفت: برو و تیربار را از کار بینداز. معاونش تا از پناهگاه بیرون می‌آید مورد هدف دشمن قرار می‌گیرد و مجروح می‌شود که او را به داخل پناهگاه می‌برند. نفر بعدی که برای از کار انداختن تیربار می‌رود نیز به شهادت می‌رسد. بعد خود حسن می‌رود، تیربار را از کار می‌اندازد که بعد از آن جنگ تن به تن آغاز می‌شود. حدود سه، چهار روز همانجا بود تا اینکه پیکرش را آوردند.»

یکی از همرزمان درباره شهادت حسن شاد

> اگر حسن شاد در شب عملیات کربلای ۴، در گروه اول و دسته اول وارد نهر خین نمی‌شد و راه را باز نمی‌کرد، شاید رزمندگان این سوی نهر خین می‌ماندند و عملیات با مشکل مواجه می‌شد

می‌گوید: «حسن دو دستی شانه‌هایم را تکانی داد و گفت: مهدی چه شده؟ گفتم: حسن، نارنجک می‌اندازند، رفتند پشت کانال و بچه‌ها را دارند قتل‌عام می‌کنند. حسن گفت: تو با چراغ قوه‌ات علامت بده به اون طرف تا گروه‌های دیگه حرکت کنند من می‌روم. با چراغ قوه علامت می‌دادم. شهید حسن از یال جزیره بالا می‌رفت. در یک لحظه افتاد، فکر کردم داخل کانال پریده اما نه حسن را هم عراقی‌ها زدند. جسم پاکش روی یال جزیره بوارین بوسه بر خاک زد و روح شادش به ملکوت اعلی پیوست.»

جانباز کربلای ۴، شهید کربلای ۵

شهید محمدرضا کرابی، فرمانده شجاع گروهان ستار هر گاه قصد عزیمت به جبهه می‌کرد، اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زد و به مادرش می‌گفت: دعا کن شهادت نصیب من هم بشود. سید جواد کافی از همرزمان شهید کرابی درباره شهادت همرزمش می‌گوید: «عملیات شروع شد و محمدرضا همراه دیگر رزمندگان وارد اروند شد. غافلگیر شده بودیم. بچه‌ها یکی یکی در آب شهید می‌شدند. از همه طرف به غواصان شلیک می‌کردند و تیرهای کالیبر ۴ عراقی‌ها سر رزمنده‌ها را هدف قرار می‌داد. منوری که هواپیمای عراقی زده بود، آسمان را روشن کرده بود و آنها به راحتی ما را هدف قرار می‌دادند. شهید دیزجی سیم خاردار را قطع کرد. او با محمدرضا کرابی و شهید رنجبر از بچه‌های سبزوار، ۱۰ متر جلوتر از من زیر نور منور با هم دست دادند و هر کدام به طرفی رفتند که پس از آن، دیگر هیچ کس آنها را ندید. محمدرضا از مقابل سینه‌خیز به سمت جلو می‌رفت که سنگر کمین، او را دید و به رگبار بست. سه تیر به سینه محمدرضا اصابت کرد. او از سینه به طرف پشت برگشت. داد زد: آر پی جی آر پی جی! و این آخرین فریاد او بود. بلافاصله سراغ او رفتم. محمدرضا شهید شده بود و من پیکرش را به سیم خاردارهای کنار جزیره تکیه دادم.»

شهید محمود سیفی در عملیات کربلای ۴ مجروح می‌شود و پزشکان به او ۱۵ روز استراحت می‌دهند اما او ترجیح داد به شهرستان نرود و به جمع بچه‌های گردان که در خرمشهر مستقر بودند، برگردد. از فرمانده گردان سؤال می‌کند که عملیات در پیش است یا نه؟ جواب مثبت می‌شنود. فرمانده می‌گوید: طبق نظر پزشک شما باید برای بهبودی به شهرستان بروید و استراحت کنید که او می‌گوید: من باید از نخستین کسانی باشم که در جزیره، ندای الله‌اکبر را سر می‌دهد و بعد اگر زنده ماندم به شهرستان می‌روم. عملیات کربلای ۵ در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ آغاز می‌شود و گردان یاسین از لشکر ۲۱ امام رضا(ع) اولین گردانی است که غواص‌هایش به آب زدند و محمود سیفی فرمانده دسته یکم از گروهان دوم بود. او جزو اولین کسانی بود که به خط زد و ندای الله‌اکبر او در فضای جزیره بوارین طنین‌انداز شد. تا صبح روز بعد، در داخل جزیره مردانه جنگید و صبح بیستم دی در پاتک دشمن به شهادت رسید.

برادران شهید

حسن و مسعود عامری‌فرد دو برادری بودند که در عملیات کربلای ۴ به شهادت رسیدند. حسن غواص بود و پشت جزیره ماهی و کنار اروندرود به شهادت رسید و پیکرش ۱۱ سال بعد برگشت و مسعود در جاده شیشه شهید شد. حسن مسئول یکی از دسته‌ها در گردان غواصی یاسین بود. شب هنگام به همراه دیگر غواص‌ها به دل آب می‌زند. منتها شدت جریان آب باعث باز شدن دست غواص‌ها و جدا افتادنشان می‌شود. در همین حین حسن مجروح می‌شود، ولی همچنان به مأموریتش ادامه می‌دهد. رزمنده‌هایی که با قایق از کنار او عبور می‌کردند از او می‌خواهند که به همراه آنها به عقب برگردد. هر چقدر به حسن اصرار می‌کنند، فایده‌ای ندارد و حسن در جواب آنها می‌گوید: من فقط از همان کسی که به من دستور حمله داده دستور می‌گیرم و تا زمانی که او دستور برگشت ندهد برنمی‌گردم. بی‌اعتنا به اصرارها به راهش ادامه می‌دهد، حسن با تعداد کمی از غواص‌ها به نقطه‌ای از خشکی می‌رسند. بعثی‌ها از وحشت حضور نیروهای ایرانی در خشکی به صورت رگباری تیراندازی می‌کنند. در همان لحظه گلوله‌ها به حسن برخورد می‌کند و او را به شهادت می‌رساند.

غواص‌های گردان یاسین تعریف می‌کنند از ۱۲۰ نفری که قرار بود خط را بشکنند هشت نفر زنده ماندند تا روایتگر رشادت همرزمانشان باشند. غواص‌های گردان یاسین و دیگر غواص‌های عمل‌کننده در دو عملیات کربلای ۴ و ۵ کار بسیار بزرگی انجام دادند. آنها از جانشان گذشتند تا یکی از مهم‌ترین عملیات‌های ایران در دفاع مقدس انجام شود. در شرایط سخت کربلای ۴ و زیر آن هجوم سنگین دشمن لحظه‌ای کوتاه نیامدند و جا نزدند. پیکر برخی شهدا سال‌ها در منطقه ماند و بعدها تفحص شد. غواص‌های شجاع گردان یاسین خطر کردند و با سرخی خونشان نشان دادن در سخت‌ترین شرایط نیز می‌توان کارهای بزرگ انجام داد.

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۸۳۳

نگاه

نقطه ضعف بعثی‌ها نقطه قوت رزمندگان بود

غلامحسین بهبودی

دی ماه ۱۳۶۵ و در جریان عملیات کربلای ۴ نیروهای ایرانی برای بار دوم آن هم در مقایسی وسیع از یک رودخانه عریض عبور کردند و بخشی از خاک دشمن را به تصرف درآوردند. سال ۶۴ نیز در عملیات والفجر ۸، واحدهای غواص ایرانی از اروند عبور کرده و شبه‌جزیره فاو را به تصرف درآورده بودند. این امر در حالی صورت می‌گرفت که عبور از آب، یکی از نقاط ضعف ارتش بعث عراق به شمار می‌رفت. ارتشی که از بسیاری جهات برتری تجهیزاتی نسبت به نیروهای ایرانی داشت، هرگاه موضوع به عبور از آب می‌رسید، ناتوانی‌هایش به وضوح نمایان می‌شد.

عقده تصرف آبادان

آبادان از طریق اروندرود، تنها چند صد متر با عراق فاصله دارد. وقتی که جنگ تحمیلی شروع شد، آن شهری که پیش از آبادان مورد تهدید قرار گرفت، خرمشهر بود؛ چراکه مرزهای زمینی از طریق شلمچه، واحدهای حصر آبادان شکست، بعثی‌ها هرگز نتوانستند عبور عمده‌ای از آب‌های محصورکننده آبادان داشته باشند و حسرت تصرف این شهر چون عقده‌ای بر گلوی صدام باقی ماند.

دژ کرخه

در شمال خوزستان نیز دو لشکر یک و ۱۰ زرهی عراق به جهت تصرف شمال خوزستان و بستن گلوگاه استان و جدا کردن آن از بدنه کشور، تهاجمی سریع و برق‌آسا داشتند. اما نیروهای این دو لشکر پس از آنکه به کرخه رسیدند، دیگر نتوانستند به پیشروی سریع خود ادامه دهند. لشکر ۱۰ که از مرز شرهانی وارد شده بود، ابتدا عین خوش را اشغال کرد و با عبور از دشت عباس روز ششم جنگ تحمیلی به پل نادری (جسر نادری) روی کرخه رسید، اما در همین جا متوقف شد و هرگز نتوانست با عبور از کرخه، خود را به شهرهایی چون شوش، دزفول و اندیمشک برساند. لشکر یک زرهی دشمن نیز از مسیر دیگری تاخت و تاز خود را انجام داد و به طرف ارتفاعات ابوصلیبی خات رفت، ولی در هفتمین روز از جنگ او نیز به دژ کرخه برخورد کرد و ناگزیر مثل تیپ ۱۰ متوقف و زمین‌گیر شد. چند ماه بعد، این نیروها به همراه دیگر واحدهای دشمن، در پی انجام عملیات فتح‌المبین در نوروز سال ۶۱، از منطقه عقب رانده شدند و در این محور نیز عراق هرگز نتوانست از یک رودخانه عریض عبور کند.

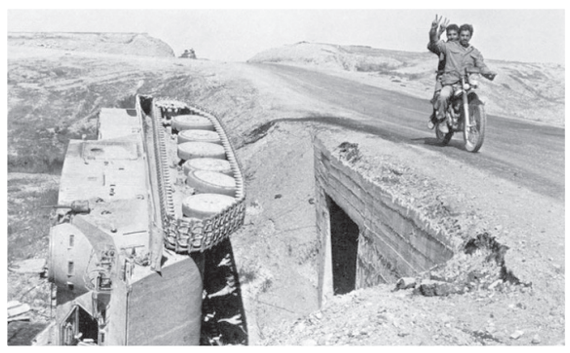

> نیروهای ایران، حداقل دوبار عبور عمده از عریض‌ترین و عمیق‌ترین رودخانه استان خوزستان یعنی اروندرود داشتند. بار اول در بهمن ماه ۱۳۶۴، غواص‌های خط‌شکن توانستند هم جزیره ام‌الرصاص را مقطعی به تصرف درآورند و هم شبه جزیره فاو را

زرهی دشمن را راحت‌تر به خرمشهر می‌رساند ولی آبادان محصور در بین رودهای اروند و کارون و بهمنشیر، هدف سختی برای دشمن به شمار می‌رفت. البته دشمن در ۱۹ مهر و با توجه به کمبود نیروهای خودی، از کارون عبور و به دشت آبادان رسوخ کرد، اما آنها در منطقه‌ای، روی کارون پل زده بودند که از وجود نیروهای خودی خالی بود. همچنین شب نهم آبان ماه نیز از بهمنشیر عبور کردند و به محله ذوالفقاری آبادان ورود یافتند. اما این حرکت نیز در نقطه‌ای صورت می‌گرفت که خالی از نیروهای ایرانی بود، چنانکه ورود دشمن به ذوالفقاری را یک اوراقچی ساده به نام دریاقلی سورانی به اطلاع رزمنده‌ها رساند و ظرف چند ساعت کماندوهای عراقی ناچار به فرار از این منطقه شدند.

نهایتاً بعثی‌ها پس از سقوط خرمشهر، توانستند آبادان را به محاصره خود درآورند. اما تا یک سال بعد که طی عملیات ثامن‌الائمه(ع) در بهمن ماه ۱۳۶۴، غواص‌های خط‌شکن توانستند هم جزیره ام‌الرصاص را مقطعی و هم شبه جزیره فاو را به تصرف درآورند. هرچند که تصرف ام‌الرصاص یک عملیات فریب بود، اما توانایی نیروهای ایرانی به عبور همزمان از چند محور و از یک رودخانه عریض را به نمایش می‌گذاشت. در پی تصرف خطوط دفاعی دشمن در فاو بود که دیگر نیروهای ایرانی وارد عمل شدند و طی ۷۰ روز جنگ بی‌امان، موقعیت نیروهای خودی در فاو تثبیت شد. کاری که دشمن هیچ گاه نتوانست انجام دهد. سال بعد نیز دوباره غواص‌های ایرانی و تعدادی از نیروهای آبی خاکی از اروند عبور کردند و نقاط حساسی را در جزیره ام‌الرصاص و دیگر جزایر اروند تصرف کردند. هرچند کربلای ۴ بنا به دلایلی توقف یافت، لیکن بار دیگر قدرت عبور نیروهای ایرانی از یک رودخانه عریض و عمیق را به همگان ثابت کرد.

از راست به چپ

■ ۱- سرشب- از مرکبات- باوقار ■ ۲- نفوذ کردن- برشته شده- گروه خونی کمیاب ■ ۳- راندن مزاحم- شش- حیوان نقب‌زن ■ ۴- از هر دو سو جاهل است- از شبکه‌های رادیویی- عهد و پیمان ■ ۵- شهر روی آب- از احزاب معروف ترکیه- گیاه مرداب ■ ۶- حرف دهن‌کجی- آب منجمد- حرکتی در فوتبال برای تصاحب توپ- زاهد ■ ۷- زه کمان- بی قراری- جفت ماده ■ ۸- یاقوت- مقدار بسیار زیاد ■ ۹- دریا- لخت- عمق- مربی ورزشی ■ ۱۰- تیم فوتبالی در انگلیس- ضمیر محترمانه- اضطراب- کوچک ■ ۱۱- صدمتر مربع- فرایندی بین فروشنده و خریدار- سختی و عذاب ■ ۱۲- از بت‌ها- درحضور کسی- از اسامی بانوان ■ ۱۳- یار بیژن- نوعی زمین مسابقات تنیس- مغز سر ■ ۱۴- از اقمار مشتری- اطلاع‌رسانی- قومی که سلسله اشکانی را تأسیس کرد ■ ۱۵- هر پرده از نمایش فیلم با توجه به لوکیشن آن- با نام امیرخسرو، شاعر و عارف نامدار پارسی گوی هندوستان- یخ

از بالا به پایین

■ ۱- مؤسس آل زیار- گل رس پخته شده- خاشاک ■ ۲- نوعی پرنده- آبی تیره- پاره سنگ ترازو ■ ۳- ضمیر غایب- همدم چوپان- ترسناک- کرم کدو ■ ۴- از فرماندهان شهید دفاع مقدس- نوعی نان سنتی- ذره باردار ■ ۵- عنصر شیمیایی- آهویی که مشک آن معروف است- میدان سوارکاری ■ ۶- تهمت زدن- ماه کامل- پاکیزگی ■ ۷- هرگز عرب- ناقلا- از واجبات نماز- ناپسند ■ ۸- انگبین- مدرسه قدیمی‌ها- طعم- دانه های گیاهی ■ ۹- آتش- دیکته- گونه نمایشی- پهلوان ■ ۱۰- اشعه فرابنفش- برای؛ قسمت- مؤاخذه و بازخواست ■ ۱۱- کاردان- طلای سیاه- هنرپیشه می‌گیرد ■ ۱۲- خالص- آبزی غول‌پیکر- برآمدگی گوشتی در غشای مخاطی معده و رودهٔ بزرگ ■ ۱۳- ماده رنگی قابل شستشو در نقاشی- نوعی بیماری عفونی دهان و حلق- میوه خوب- همراه ناله ■ ۱۴- بازی قهوه‌خانه‌های قدیمی- پرنده شمالی- گردنبند سگ ■ ۱۵- یادداشت- انعکاس صوت- برج معروف شهر دامغان

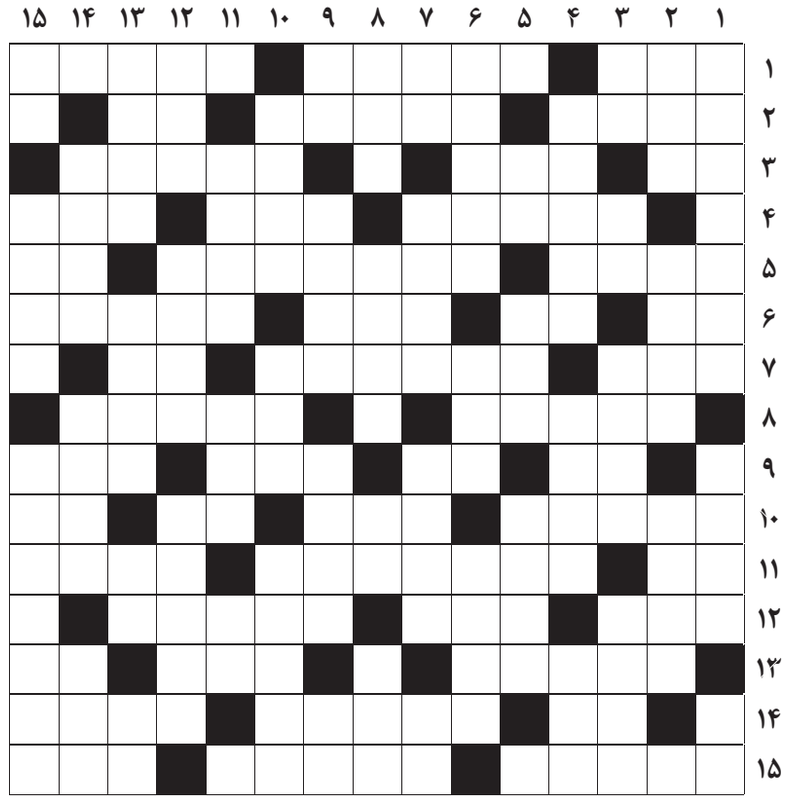

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۷		۴						
		۶				۲	۱	۴
			۵		۸			
	۱			۸	۷			
						۳	۸	
۳	۵			۱				
۴		۲					۳	
						۱	۹	۷
			۹		۵			

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۸۳۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ب	و	ر	ي	ح	ا	ن	ب	ي	ر	و	ن	ي	■
۲	گ	ل	ا	س	ه	■	د	ر	س	خ	و	ا	ن	■	ب
۳	ز	و	ا	ر	■	خ	و	ا	ت	د	ی	ن	■	ک	ا
۴	و	ا	م	■	ه	ل	ي	س	■	ا	ت	■	ه	ب	ک
۵	ز	■	■	ط	ل	■	ا	س	ه	ا	ن	■	ا	م	د
۶	■	ب	ر	ي	د	ن	■	ر	گ	ا	■	ا	س	ا	ر
۷	گ	ل	ب	و	ل	■	ز	ه	■	ق	ش	ن	گ	■	م
۸	ن	م	■	ر	ا	ز	ي	■	ف	ي	ت	و	■	ت	ن
۹	چ	■	س	پ	ي	د	■	■	ک	■	ر	ب	ا	ن	ي
۱۰	ق	ر	ا	و	ل	■	گ	ل	■	ب	ا	ر	و	ک	■
۱۱	ا	ن	چ	ل	■	ه	م	و	ا	ر	■	د	ل	■	م
۱۲	ر	ا	د	■	د	م	■	س	ب	ز	ه	■	م	ت	س
۱۳	و	ن	■	ا	م	ا	ن	■	ا	و	ب	ه	■	ا	ت
۱۴	ن	■	ت	ي	ر	و	ي	د	■	و	س	ت	ر	ن	■
۱۵	ک	م	ا	ل	ا	ل	د	ي	ن	ب	ه	ز	ا	د	■